

سیری در منظومه‌ی
فرامرزنامه و بهمن‌نامه

نویسندگان:

سیدمحمد موسوی مجد

طاہرہ شادات موسوی مجد

www.ketab.ir

سرشناسه ← موسوی مجد، سید محمد، ۱۳۳۴-
 شناسه افزوده ← موسوی مجد، طاهره سادات، ۱۳۶۱-
 عنوان ← سیری در منظومه فرامرزنامه و بهمن نامه.
 مشخصات نشر ← مشهد: طلوع مجد، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری ← ۱۴۴ ص.؛ رفعی.
 شابک ← ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۰۵-۵۶-۳
 وضعیت فهرست نویسی ← قیفا
 موضوع ← ایران‌شاه بن ابی‌الخیر، قرن ۵ ق. بهمن نامه -- نقد و تفسیر.
 موضوع ← فرامرزنامه -- نقد و تفسیر.
 موضوع ← شعر فارسی -- قرن ۵ ق. -- تاریخ و نقد.
 موضوع ← منظومه‌های حماسی فارسی -- قرن ۵ ق. -- تاریخ و نقد.
 موضوع ← History and criticism -- 11th century -- Persian poetry
 موضوع ← Epic verse, Persian -- 11th century -- History and criticism
 رده بندی کنگره ← PIR ۲۵۹۷
 رده بندی دیویی ← ۸۱۱/۲۲
 شماره کتابشناسی ملی ← ۸۴۰۳۳۲۵

عنوان: سیری در منظومه فرامرزنامه و بهمن نامه
 نویسنده: سید محمد موسوی مجد - طاهره سادات موسوی مجد

ویراستار و صفحه‌آرا: مهندس سعید فاطمه موسوی مجد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۰۵-۵۶-۳

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰ - مشهد

چاپ: گاندی - تیراژ: ۱۰۰ نسخه

قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان

ناشر: انتشارات طلوع مجد

وب سایت: www.nashremajd.ir

همراه: ۰۹۱۵۳۳۳۲۲۱۳



انتشارات طلوع مجد

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۳	بخش اول: فرامرزنامه
۱۴	سراینده
۲۶	موضوع
۸۹	بخش دوم: بهمن نامه
۹۰	ایران‌شاه بن ابی‌الخیر
۹۹	موضوع
۱۰۹	بخش سوم: مقایسه بهمن نامه و فرامرزنامه
۱۱۰	ویژگی‌های زبان و کلام در آثار حماسی
۱۱۶	صور خیال
۱۳۳	فضاپردازی و نحوه گزارش داستان
۱۳۵	شخصیت پردازی
۱۳۸	راوی داستان
۱۴۰	بسامد واژگان فارسی و عربی
۱۴۲	منابع

◆ مقدمه:

ادبیات در هر شکل و قالبی که باشد، نمایشگر زندگی و بیان‌کننده‌ی ارزش‌ها و معیارها و ویژگی‌هایی است که زندگی فردی و جمعی بر محور آن می‌چرخد، نقد آثار ادبی و حماسی نیز چنین است و نمی‌تواند به دور از آن ارزش‌ها و معیارها باشد و بی‌توجه از کنار آن‌ها بگذرد.

ادبیات از دو گذرگاه ما را با زندگی پیوند می‌دهد: از گذرگاه عاطفی و از گذرگاه خردورزی، یعنی وقتی که ما آثار حماسی و ادبی را می‌خوانیم تأثیر بر عواطف ما دارد و دیگر هنگامی که آن را نقد و بررسی می‌کنیم جنبه‌ی خردورزی آن آشکار می‌گردد. وقتی سرگذشتی را مطالعه می‌کنیم به قول «آندره مورو» در کشاکش حادثه‌ی بزرگی قرار می‌گیریم و لحظات زندگی ما با آن حادثه آمیختگی پیدا می‌کند و با آن هم‌سویی روانی پیدا می‌کنیم در این موارد نفس و جان ما نمی‌تواند از اثرپذیری بر کنار ماند. از جهت خردورزی نیز اگر به درستی به تحلیل و نقد آثار ادبی بنشینیم و جنبه‌های مثبت و منفی آن‌ها را دریابیم زندگی را مطرح ساخته‌ایم چه آثار ادبی نیست مگر انعکاس زندگی و برخورد نویسنده

سیری در منظومه‌ی فرامرزنامه و بهمن نامه

یا شاعر با معیارها و ارزش‌ها. پس طبعاً بررسی معیارها، بی‌امعان نظر و ورود در صحت و سقم آن‌ها، راهی به کمال نخواهد داشت.

آثار بزرگ ادبی هم‌چون آینه‌ای است که زندگی اجتماعی زمان خود را با همه‌ی پیچیدگی و گستردگی و ابهام در خود منعکس ساخته است و از آن‌جا که در چنان زندگی‌یی با ویژگی‌های خود، ضعف و قوت، همواری و ناهمواری، زشت و زیبا وجود داشته، به تأثیر در چنین آینه‌ای نمودار شده است: ما سعدی را شاعر و هنرمند بزرگی می‌دانیم و این‌نه بدان سبب است که همه‌ی اندیشه‌های او عین صواب است و یا نه بدان سبب است که به تعبیر امروز شاعر و نویسنده‌ای متعهد بوده، بلکه از آن روست که سعدی روح زمان خود را با همه‌ی زشتی‌ها و کاستی‌ها در آثار خود منعکس کرده است آثار سعدی باید با شناخت این زشتی‌ها و کاستی‌ها و مناسبات و روابط اجتماعی زمان وی ارزیابی و تحلیل شود. هم‌چنین اگر در آثار دوره‌ای خاص صفاتی چون: بدبینی، عدم اعتماد به دیگران، بی‌اعتنایی به مصالح اجتماعی، میل نداشتن به شرکت در فعالیت‌های همگانی، انزواجویی و تنافس آن‌ها وجود دارد ریشه‌ی آن‌ها را باید در عوامل اجتماعی و سیاسی آن دوره و یا دوره‌های قبل نزدیک بدان بررسی کنیم و رابطه‌ی علی‌وقایع تاریخ و ویژگی‌های آثار ادبی را کشف نمائیم و اندک اندک عادت کنیم تا «تاریخ» را با آثار ادبی مرتبط سازیم.

در میان بسیاری از آثار ادبی و حماسی قدیم، حتی در شاهکارها، چه در ادبیات فارسی و چه در ادبیات زبان‌های دیگر، اعتقاد به قضا و قدر، استدلال تمثیلی، خرافه‌های دور از عقل و منطق، تجلیل از زورمندان و ستمگران، نادیده انگاشتن توده‌های محروم و

مقدمه

اندیشه‌های ناب‌خردانه به چشم می‌خورد. این آثار باید به درستی مورد تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی قرار گیرد، نه تنها اندیشه‌های ناب‌خردانه و پندارهای واهی نموده شود، بلکه علل به وجود آمدن آن‌ها از دید جامعه‌شناسی نیز مطرح گردد.

فراموش نکنیم که هدف نهایی ادبیات، تعالی انسان و وصول به ادب نفس است. آثاری که پیام آن‌ها در جهت پرورتن انسان متعالی خواهند بود «حق» و جوینده‌ی «حقیقت» باشند سزاوار صفت «والا» و «پیراج» نمی‌توانند باشند. در ادبیات ایران پس از اسلام، اثری مانند: شاهنامه‌ی مسعودی مروزی، شاهنامه‌ی ابوالمؤید بلخی، شاهنامه‌ی احمد بلخی و شاهنامه‌ی ابومنصوری از نخستین نمونه‌های نوع ادبی حماسه است که متأسفانه متن کامل هیچ یک از آن‌ها به ما نرسیده است و از این روی، شاهنامه‌ی فردوسی را که به لحاظ زمانی، پس از متون نامبرده سروده شده، افزون بر مهم‌ترین متن حماسی ایران به زبان فارسی باید اولین اثر کامل تاریخ ادب حماسی هم دانست که از گنج روزگار در امان مانده و به دست ما رسیده است.

نظم شاهنامه و شهرت آن در ایران مایه‌ی نهضت عظیمی در ایجاد منظومه‌های حماسی بزرگ گردیده، شاهنامه در عین آن که نتیجه و ثمره‌ی نهضت بزرگ ملی ایرانیان در احیای مفاخر ملی بود، خود نهضت تازه‌ای در نظم داستان‌های حماسی ایجاد کرد که می‌توان آن را در جریان نهضت یا سنت «شاهنامه‌گرایی» نامید، در نتیجه فردوسی پیشرو نهضت و

سیری در منظومه‌ی فرامرزنانه و بهمن نامه

جنبشی گشت که به یاری آن پهلوانان و بزرگان ملی ایران که در بستر فراموشی خفته بودند، یک‌باره به عرصه آمدند و شهرتی عجیب یافتند.^۱

شاید کهن‌ترین اشاره و سند مربوط به معرفی منظومه‌های پهلوانی و نیروی آن‌ها در «شاهنامه» این نوشته‌ی مجمع‌التواریخ و القصص باشد که:

... «شاهنامه‌ی فردوسی که اصلی است و کتاب‌های دیگر که شعب آن است و دیگر حکما نظم کرده‌اند، چون گرشاسب‌نامه و چون فرامرزنانه و اخبار بهمن و قصه‌ی «کوش پیل دندان»، این داور و ارزیابی قدیمی کاملاً درست است و منظومه‌های پهلوانی شعب و فرع شاهنامه هستند که در برابر چنین اصلی، کم‌فروغ و گمنام مانده‌اند، به سخنی دیگر شاهنامه‌ی فردوسی با ویژگی‌های منحصر به فردش، همان گونه که احتمالاً موجب کم‌توجهی به شاهنامه‌های منظوم و منثور پیش از آن‌ها و نهایتاً فراموشی و از بین رفتن آن‌ها شده است، یقیناً در عدم اشتها و نفوذ انواع منظومه‌های پس از خود نیز تأثیرگذار بوده. بنابراین یکی از ضعف‌های نمایان مطالعات ایرانی در حوزه‌ی ادب حماسی حتی در سطح جهانی آن، توجه صرف به شاهنامه‌ی فردوسی و غفلت از منظومه‌های پهلوانی پس از آن است و بهترین گواه این دعوی هم این که در برابر حدود شش هزار کتاب و مقاله درباره‌ی فردوسی و شاهنامه^۲ شمار مقالات و آثاری که به منظومه‌های پهلوانی پس از آن پرداخته‌اند حتی با احتساب اشارات گه‌گاهی در میان بعضی از کتاب‌ها و مباحث مربوط به

^۱ صف‌ها، ۱۳۶۹: ۲۲۸

^۲ رک به کتاب‌شناسی فردوسی، تألیف استاد ایرج افشار

مقدمه

شاهنامه، نهایتاً بیش از ده عنوان نیست، نمونه‌ی آن «بهمن‌نامه»، «جهانگیرنامه» و «فرامرزنامه» می‌باشد، که بزرگترین مشکل نگارنده در مقایسه و تحلیل دو منظومه‌ی مذکور یعنی «فرامرزنامه» و «بهمن‌نامه» نبودن منابع کافی و مفید در رابطه با هر دو اثر بوده است. در محدود مأخذ موجود نیز مطالب مطرح گردیده، فقط در حدّ معرفی و بررسی مختصر آن دو است. این در حالی است که اندیشمندان می‌دانند ادب حماسی ایران پس از اسلام در تعریف جامع و دقیق، تنها شامل شاهنامه‌های منظوم و منثور پیش از فردوسی تا منظومه‌های پهلوانی، دینی، تاریخی، بعد از او را در بر می‌گیرد. از سوی دیگر بدیهی است که شناخت آثار حماسی ملی یکی از بایسته‌ترین کارها از برای دانستن راه و چاه امروز و برگزیدن چاره‌های هوشمندانه در راه رسیدن به سرفرازی است و هیچ ملّتی بی‌شناخت گذشته‌ی تاریخی و فرهنگی خود بدون دلستگی به میراث شایسته و موبایی که از گذشتگان‌ش بازمانده است نمی‌تواند اکنون خویش را به درستی ارزیابی کند و در جهان با ارزش‌ها و فرهنگ‌ها و موقعیت‌های گوناگون، جایگاه راستین خود را بیابد، هم‌چنان که هیچ ملّتی بدون آگاهی از گذشته و ارزیابی صحیح امروز خویش قادر نیست، راهی روشن به جانب آینده بگشاید.

هم‌اکنون که این کتاب با همه‌ی ناپختگی‌ها و کاستی‌ها پیش روی خواننده‌ی عزیز است، تمناً دارد که بزرگوارانه کاستی‌ها را بر این حقیر بخشیده و از راهنمایی‌های راه‌گشا و خردمندانه این کمترین را محروم نفرمایند و این بیت دل‌انگیز شاعر بزرگوار، شکور بلخی را مصداق کار خود دانسته و عمیقاً معترف به آن هستم آن‌جا که می‌فرماید: